



نزکیه در قرآن (۳)

محسن ادیب بهروز

درآمد

قرآن هفت دریای مفاهیم است و هفت آسمان بینایی، و از کران تا کران آن را نتوان پیمود، بی آن که در آیه آیه آن غرق شد، و اگر چه نتوان بحر را در کوزه ریخت اما به استعداد می توان از آن جرعه ای برگرفت که:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

در این جست و جوی بایسته، جویباری از اقیانوس را توان پیمود و در میان دفينه های قیمتی اش، ذری را توان جست. بر این مبنا، این نوشتار، با نام تزکیه در قرآن، به یکی از ذرر قرآن پرداخته و آن را از دیدگاه مفسران و واژه شناسان به کاوش نشسته است.

موارد استعمال و کارکرد آن را در آیات مختلف بررسی کرده و به چستی و چگونگی اش پرداخته و در حد توان آن را کاویده ایم.

بخش پیشین این مقاله، سعی بر یافتن پرسش هایی در این باره داشت و اینک بخش دیگری

پشتان

سال هفتم
شماره ۲۷

۲۹

از آن به بهره‌ عملی و ثمره‌ عینی آن می‌ پردازد.

نمونه قرآنی تزکیه

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ بَغضُوا مِنْ ابْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فَرُوجَهُمْ ذَلِكَ اِزْكَىٰ لَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌ بِمَا يَصْنَعُوْنَ»
(نور، ۲۴/۳۰) مؤمنان را بگو که دیدگان خویش را فرو دارند و شرمگاه‌های خود را نگاه دارند،
این برای آنان پاکیزه‌تر است، که خدا به کارهایی که می‌کنند، آگاه است.^۱

یکی از راه کارهای رفتاری و رهنمودهای اندیشه‌ای در پیراستن و به ویژه آراستن
نفس، نگه‌داشت و نظارت بر نگرستن‌های روزانه است، که مجموعه‌ای از تصویرها و منظره‌های
گونگون که سمت و سوی تمایلات درونی را با جاذبه‌های برونی، تعیین‌گراست.

در این رابطه دوسویه، اگر رهایی و آزادی کامل وجود داشته باشد، فرجامی دهشتناک و
ویرانگر برای فرد و جامعه در پی خواهد داشت. از هدر رفتن گوهر گرانبمایه عمر آدمی و به آبخور
رفتن دیده و دل می‌آغازد، و تا آن کران امتداد می‌یابد که شخصیت آدمی دستخوش تغییر شده و
بازگشت به خویش، دشوار و غیر ممکن می‌نماید. بنابر این در راستای پیشگیری، که همواره از
درمان، آسان‌تر و مؤثرتر است راه کار پیشنهادی قرآن، محدود ساختن منظرهای دیدگان است.
طبری در نشان دادن منظره‌های ممنوع می‌نویسد:

در پدیده‌هایی که خداوند، نگاه کردنش را منع کرده. نگاه‌هایشان را از آنجا که دل می‌خواهد،
باز گردانند.^۲

اگر چه کلام طبری، از یک نگاه کلی، نیازمند تبیینی دقیق و استوار است، اما از نگاه دیگر،
شفاف و آشکارا می‌نماید، آن مواردی که جاذبه برونی، دل را ابزار چشم، به تعقیب و جست‌وجو
وامی دارد و در پی آن تصورات زیبا و واکنش‌های رفتاری را به همراه می‌آورد و اینجاست که اگر
خدا باوری ملک دل را سلطنت کند باز گرداندن چشم از منظر جذاب و دلربا، آسان شود و
انسان را برای آراستن به کمال و زیبایی، آماده نماید. در این آیت الهی که پیشتر گفته شد،
خطاب آیه به مؤمنان است، آنانکه به بیان مفسر عارف، میبیدی، خاک نیستی در چشم هستی
خود افکنده و از لوح وجود خود، هجو نفس مکاره بر خوانده... و ایشان که سابقان و صادقان و
سالکان راه‌اند و هرگز ذره‌ای به خود التفات نکرده از هستی خود شاد نبوده و به چشم پسند خود
نگریستند.^۳

در معنای «یغضوا من ابصارهم» ابوالفتوح رازی نیز می نویسد: مراد نه آن است که اطباق جفن یعنی فرو پوشانیدن پلکها کنند بر حدقه، معنا آن است که چشم نگه دارند از آنچه ایشان را نیست که در او نگرند، از روی عقل و شرع. ۴.

فرو پوشانیدن پلکها به طور پیوسته ممکن نیست، زیرا روابط اجتماعی مشکل آفرین خواهد بود و انسان را از یک ارتباط سالم و مفید با دیگران محروم می نماید و این حرمان، نه تنها پیراستن از آلودگیها و آراستن به کمال نیست، بلکه در مواردی تصور و خیال واهی تزکیه را، جایگزین باور و واقعیت محسوس تزکیه نمودن است که این آفتی برای پیراستن و آراستن خواهد بود. و چه زیبا است تعبیراتی که مفسران، برای معنای «یغضوا من ابصارهم» آورده اند: نگه داشتن، کم کردن و باز گردانیدن نگاه و خیره نگرستن. ۵ که این خیره نگرستن و دیدن، در مواردی صدق می کند که به تعبیر قرطبی، پی آمد آن فتنه باشد. بنگرید کلام این مفسر را: چشم، بزرگ ترین ورودی قلب است و آبادترین راه های حواس به آن. بدین جهت، بیشترین زیانها، برخاسته از چشم است... پس می بایست از همه مناظر حرام و هر آنچه که بیم فتنه از آن می رود، نگاه را باز داشت و باز گردانید. ۶.

طرفه آنکه، به منظرهایی که دل بخواهد یا عقل و شرع آن را نمی پسندد و یا پی آمد آن فتنه باشد، چشم ندوخته، خیره ننگرد، نگاه را نگه دارد، باز گرداند و کم کند، زیرا خیره نگرستن، فرجامی ناشایست به همراه داشته و بیم آن می رود که نتواند شرمگاه را نگه دارد.

ابوحیان اندلسی، در پاسخی به این پرسش که چرا «یغضوا من ابصارهم» پیش از «یحفظوا فروجهم» وحی شده است، می نویسد: چون پی آمد نگرستن و چشم دوختن، اراده زنا نمودن و پیشرو زنا کاران شدن است... به گونه ای که نتوان از آن دوری جست و کناره گیری کرد. ۷.

در خیره شدن و چشم دوختن، این چنین فرجامی نهفته است اما اگر نگه دارد نگاه را و باز گرداند آن را، دستاوردی گران سنگ خواهد داشت.

ابن قیم، در ذیل این آیت الهی با اشاره به برخی از این دستاوردهای ارزشمند، می نویسد: باز گردانیدن نگاه از چشم اندازهای حرام، سه فایده دارد: نخستین ثمره آن درک شیرینی و لذت ایمان است...

دومین آن روشنایی قلب و به حقیقت پیوستن حدسها و گمانها...
و سومین این جهد، نیرومندی، آرامش و بی باکی قلب است... ۸.

باور داشتن خداوند علیم، بصیر، حکیم، خبیر و شهید، علایمی دارد، که انس باخویشتن نمونه‌ای از آن است: در این همدمی، حلاوت و شیرینی پایداری وجود دارد که در انس با غیر خود نمی‌توان به دست آورد، آنگاه که چنین انسی با دلبر باشد، بازگردانیدن نگاه از بیگانگان دلبر، آسان بود و در این پیوند مقدس که پیوستگی و تداومش، چشم دل و قلب را به درک حقیقتها می‌گشاید و یقین و باور را جایگزین حدس می‌کند که نخستین فرجام آسودگی، توانمندی و نهراسیدن است، زیرا سرچشمه برخی از هراسها، دل بستگی و انس با بیگانگان است، آنان که باخویشتن همخوانی، سازگاری و هم‌آوایی ندارند. بهترین، نیرومندترین ابزارهای دلمشغولی آرامش برو آشوب انگیز، بازگردانیدن نگاه است و چشم ندوختن، که خانه باید از اغیار تهی باشد تا غبار پای نامحرم ننشیند که:

خلوت دل نیست جای صحبت اغیار

دیو چو بیرون رود فرشته درآید

و در ادامه حفظ زهارها، ناموس^{۱۰}، شرمگاه^{۱۱} و اندام^{۱۲} است، که در این آیت الهی، بدان اشارت شده است.

ابوالفتوح رازی، بایان دو معنا برای «یحفظوا فروجهم» می‌نویسد: ... در آن دو قول گفته‌اند: یکی آنکه از زنا نگه دارند و از آنچه شرع دستوری نداده ایشان را. ابن زید گفت: هر کجا در قرآن، حفظ فرج است، مراد زناست الا این جا، که مرادستر عورت است، یعنی چشم نگه‌داری از آن که در عورت کسی نگری و عورت نگه‌داری به حفظ از آن که کسی در او نگردد و گفت: دلیل این، آن است که در اینجا «من» نیاورده، چنان که در غضب بصر آمده است، نگفت و یحفظوا من فروجهم و این وجهی قریب است و نیز از روی نظم مناسبتی دارد. ۱۳.

طبرسی در استواری این کلام، به بیان روایتی از امام صادق علیه السلام پرداخته، می‌نویسد: «امام صادق علیه السلام فرمود: برای مرد، نگرستن به شرمگاه برادرش و نیز زن به شرمگاه خواهرش، روا نیست. ۱۴»

موضع بسیاری از مفسران دیگر نیز چنین است، بهاء‌الدین شریف لاهیجی با استناد به کلام امام صادق علیه السلام نوشته است: «ویحفظوا فروجهم» یعنی یحفظوا من المحرمات فروجهم، بنابراین این مفعول یحفظوا نیز مقدر است یعنی و نگاه دارید فرج‌های خود را از نامحرم و مراد از حفظ فروج در اینجا نگاه داشتن آن از زنا و لواط نیست، چنان که کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت



کرده که: «کل شیء فی القرآن من حفظ الفرج فهو من الزنا الا هذه الآیة فانها من النظر فلا یحل لرجل مؤمن ان ینظر الی فرج اخیه و لا تحل للمرأة ان ینظر الی فرج اختها. ۱۵»
 و علی بن ابراهیم چنین روایت کرده که: کل آیه فی القرآن فی ذکر الفروج فهو من الزنا الا هذه الآیة فانها من النظر. ۱۶»

به هر تقدیر مراد این است که هر چه باشد در قرآن از حفظ فرج یا هر آیتی که در قرآن باشد در ذکر فروج، مقصود نگاه داشتن فروج است از زنا، به خلاف اینجا که مقصود ستر آن است از نظر نامحرم و چون محرمات ابصار، کم تر از محرمات فروج است، «من» تبعیض در ابصار در آورده و واژه فروج را مطلق گذاشته است...» ۱۷»

این کلام از ابن زید باشد یا از ششمین اسوه مکتب اسلام، در یکدستی معنا و مقصود در کلام مفسران خللی وارد نمی آورد و آن نگه داشتن نگاه به شرمگاه است که اگر نگاه باز گردانده نشود، پیراستن از فرجام آن بسی دشوار است و در مواردی تکرار نگرستن نه تنها خستو نشود بلکه پیراستن را دیگر نتواند.

علامه طباطبائی نیز از رویاروی دو عبارت «یغضوا من ابصارهم» با «یحفظوا فروجهم» استواری این معنا را اثبات کرده، ایشان می نویسد: از مقابله میان کلام الهی که فرمود: «یغضوا من ابصارهم» و «یحفظوا فروجهم» چنین به دست می آید که مقصود از حفظ فروج پوشیدن آن است از نگرستن، نه آنکه از زنا و لواط باز داشتن و...» ۱۸»

که نگه داشتن نگاه از منظرهایی که عقل و دین، خیره شدن بر آن را، پسند نمی دارد و نگرستن به زهار و شرمگاه دیگری و پوشیدن شرمگاه خود، رفتاری است که پیراستن از آلودگیها و آراستن به زیبایی های الهی را همراه دارد، چنان که باعث می شود در موقعیت و محدوده خود تحقق نماید و بلکه فراتر از آن، به تزکیه دیگر اعمال کمکی بسیار نماید.

شیخ طوسی در تفسیر «ذلک ازکی لهم» نوشته است: متی فعلوا ذلک کان ازکی لاعمالهم عند الله. «آن سان که چنین نمودند، عملهایشان در پیشگاه خداوند، پیراسته تر و آراسته تر بود.» ۱۹»

گستره تأثیر گذاری خیره نگرستن بر منظرهایی که بیم فتنه از آن می رود و پوشیدن شرمگاه از نگاه نامحرم، چنان است که دین و حیات آدمی را سود رساند و ایمانش را فربه کند.

طبرسی در تفسیر «ذلک ازکی لهم» می نویسد: «برای دین و دنیا نیز، برای پاک ماندن از



تهمت، سودمندتر و به تقوا نزدیک تر. «۲۰»

پرهیز از نظر افکندن و پیشگیری از نگاه‌های فتنه خیز، نه تنها در نگاه شرمگاه تأثیر گذار است، بلکه برای خنثی نمودن تهمت انسان‌های ناشایست نیز مفیدترین عامل خواهد بود، که در این صورت از ایجاد بخش مهمی از مشکلات اجتماعی، اختلالات روحی، درگیری‌های خانوادگی و تزلزل نظام قدرتمند خانواده پیشگیری خواهد شد و چنین است که قرآن از اجرای ایستایی در نگاهها و پاسداری شرمگاهها، تعبیر از کمی را اختیار کرده است چرا که این دو فرمان را پیراسته تر شدن و ماندن، می‌داند. شاهد بر این ادعا آن که چون مؤمنان، طرف خطاب آیه قرار دارند و اینان به گونه‌ای باید بر پیراستگی خویش افزوده و بر کهن و کم‌ترین پیراستی بسنده ننمایند، که این به تقوا نزدیک تر است.

علامه طباطبایی در ذیل این آیت الهی می‌نویسد: «آنگاه به مصلحت این حکم اشاره کرده و بایان آن مردم را تحریک می‌کند که مراتب این حکم باشند و آن اشاره این است که می‌فرماید:

این بهتر شما را پاک می‌کند «۲۱»

به راستی اگر تحریک و ترغیبی نباشد جاذبه‌های مناظر فتنه‌آور، نگاه را به نظر و خیرگی وا می‌دارد و به سادگی نتوان از آنها روی گردانید، اما آن سان که سخن از پیراسته تر شدن است. انگیزه‌ای خواهد بود، برای پاک‌تر گشتن.

شریف لاهیجی در تداوم استواری این معنا می‌نویسد: «بهتر است مرایشان را و نزدیک تر

است به پاکی ایشان از زنا و این ترغیب است ایشان را به غضب ابصار و حفظ فروج. «۲۲»

کم کردن و باز گردانیدن نگاه و ادب چشم علاوه بر پیراسته شدن انسان، در پالایش زدایی جامعه اسلامی و آراسته تر شدن مردم به زیبایی‌های اجتماعی در ارتباطی دو سویه تأثیر گذار است. دکتر اسماعیل سالم با بیان آثار این حکم می‌نویسد: «قلب‌هایتان را پاک‌تر و جامعه اسلام را پاکیزه‌تر می‌نماید و بر نیالودن جامعه به ناپاکیها و دچار نگشتن به بیماری‌های بدنی و روحی، ضمانت گراست. «۲۳»

اگر نگاه به ازکی را تغییر دهیم و با توجه به نگاه لغویان معنای آن را جست و جو کنیم، هم‌چنان شاهد دستیابی به راهکاری خواهیم بود که خیره‌نگریستها و حفظ زهارها پیامد آن خواهد بود.

عقیف عبد الفتاح طباره، با استناد به معنای لغوی رشد و نمو برای توضیح واژه ازکی



می نویسد: «نگه داشتن نگاه از شهوات و پاسداری شرمگاه از زنا، عطایای خداوندی به انسان را می پروراند و برای وی توانایی های جسمی و بدنی را نگه می دارد.» ۲۴

بساد برخی از انسانها و یاد ر مواردی، چنین نتایجی بدون حفاظت نگاهها و شرمگاه، دیده شود، اما تداوم و تحقق آن به کم شدن نگاهها به منظره های فتنه آور و به انحصار آوردن شرمگاه برای صاحبانش، می انجامد و نتوان بی آن، شاهد چنین دستاوردی ارزشمند و همیشگی بود.

تزیین در قرآن

۱. ترجمه قرآن: دکتر سید جلال الدین مجتوی.
۲. تفسیر طبری، ۱۵۴/۱۰، جزء ۱۸ و نیز ر. ک: به تفسیر البغوی، ۳۳۸/۳.
۳. کشف الاسرار، ۵۲۷/۶.
۴. روض الجنان، ۱۲۳/۱۴.
۵. تفسیر طبری، ۱۵۴/۱۰؛ روض الجنان، ۱۲۳/۱۴؛ مجمع البیان، ۱۹۲/۷؛ تفسیر آسان، ۱۷/۱۴؛ التحریر و التتویر، ۱۸/۲۰.
۶. الجامع لاحکام القرآن، ۱۴۸/۱۲.
۷. بحر المحیط، ۴۱۲/۶ و نیز ر. ک به: محمد علی صابونی، تفسیر آیات الاحکام، ۱۴۸/۲.
۸. الضوء المنیر علی التفسیر، ۳۴۹/۴، گردآوری توسط علی محمد صالحی از آثار ابن قیم، مؤسسه نور.
۹. ترجمه قرآن، دکتر ابوالقاسم امامی.
۱۰. ترجمه قرآن، بهاء الدین خرمشاهی.
۱۱. ترجمه قرآن، کاظم پورجوادی و نیز: ترجمه دکتر سید جلال الدین مجتوی.
۱۲. ترجمه قرآن، مهدی الهی قمشه ای.
۱۳. روض الجنان، ۱۲۳/۱۴.
۱۴. مجمع البیان، ۱۹۱/۷ و نیز ر. ک به: تفسیر صافی، ۲۲۹/۵ و المیزان، ۱۱۱/۱۵.
۱۵. کافی، ۳۰/۲.
۱۶. تفسیر قمی، ۱۰۱/۲.
۱۷. تفسیر شریف لاهیجی، ۲۷۹/۳، با مقدمه و تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی.
۱۸. تفسیر المیزان، ۱۱۱/۱۵.
۱۹. تیان، ۴۲۸/۷.
۲۰. مجمع البیان، ۱۹۲/۷ و نیز ر. ک به: تفسیر البلابل و القلاقل، ۴۴۵/۲ از ابو المکارم حسینی (قرن هفتم). به تصحیح محمد حسین صفا خواه، چاپ انتشارات احیاء کتاب.
۲۱. ترجمه تفسیر المیزان، ۱۵۵/۱۵.
۲۲. تفسیر شریف لاهیجی، ۲۷۹/۳.
۲۳. تفسیر سورة نور/۱۲۱، دار الصحوة، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۲۴. تفسیر سورة النور و احکامها/۵۷، دار العلم للملین، ۱۹۹۳ م.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



سال هفتم
شماره ۲۷